

بررسی عوامل تأثیر گذار بر هویت ملی دانش‌آموزان (مورد مطالعه: دوره متوسطه منطقه ۷ آموزش و پرورش تهران)

دکتر سعید معدنی^۱

نسبیه مظفر^۲

چکیده:

هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی هویت دانش‌آموزان و عوامل تأثیرگذار بر آن است که برگرفته از تحقیقی با همین عنوان می‌باشد. متغیر وابسته این تحقیق عبارت است از هویت ملی و متغیرهای مستقل تحقیق عبارت‌اند از: حفظ قلمرو سیاسی، علاقه به زبان پارسی، آگاهی از تاریخ ایران، علاقه به میراث فرهنگی، آگاهی از نمادهای ملی، آشنایی با مفاخر ملی، پایبندی به دین اسلام، پایبندی به مناسک ملی، علاقه به هنرهای ملی، نابرابری اجتماعی، پایگاه اجتماعی، سطح تعاملات اجتماعی، رشته تحصیلی، آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی که برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز پرسش‌نامه طراحی شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ تهران می‌باشد که در این مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد و با انتخاب متناسب، پرسش‌نامه‌ها بین دانش‌آموزان توزیع شد و در نهایت نتایج حاصل گشت که در این مقاله به آنها پرداخته خواهد شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش متغیرهای: علاقه به زبان فارسی، آگاهی از تاریخ ایران، علاقه به هنرهای ملی، آشنایی با مفاخر ایران، پایبندی به دین اسلام، آگاهی از نمادهای ملی، پایبندی به مناسک ملی و مشارکت اجتماعی بر هویت دانش‌آموزان تأثیرگذار بوده، اما متغیرهای تعاملات اجتماعی، علاقه به میراث فرهنگی و حفظ قلمرو سیاسی کمتر تأثیر داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی:

هویت ملی، دانش‌آموزان، آموزش و پرورش، نمادهای ملی، آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی

^۱- استادیار و عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه جامعه‌شناسی، تهران، ایران.

مقدمه:

در عصر حاضر، نظام آموزشی از یک سو در تبدیل انسان‌ها به افرادی بالنده از لحاظ فرهنگی و اجتماعی فعال است و از سوی دیگر تأمین‌کننده دانش عمومی مورد نیاز نیروی انسانی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. ضمن آنکه نقش مهمی در تحکیم هویت ملی، وحدت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی از طریق اشاعه سنتها، رسوم اجتماعی و ایدئولوژی‌ها ایفا می‌کند. (رزمی، ۱۳۸۳: ۲۵۹) از این‌رو نظام آموزشی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دوام و پایداری حکومت‌ها محسوب می‌شود؛ به نحوی که عدم کارکرد صحیح آن می‌تواند مولد بحران‌های مختلفی نظیر بحران هویت شود. در پژوهش حاضر محقق سعی دارد با توجه به عوامل اثرگذار بر هویت ملی، آنها را در دانش‌آموزان دوره متوسطه آموزشی محاسبه نماید.

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد همبستگی اجتماعی، تقویت هویت‌یابی ملی در نوجوانان و جوانان است.

نظام تعلیم و تربیت، که یکی از نهادهای اجتماعی است، این وظیفه مهم را برعهده دارد تا به جوانان و نوجوانان هویت فرهنگی مشترک ببخشد و آنان را فرهنگ‌پذیر و جامعه‌پذیر نماید. (رزمی، ۱۳۸۳: ۶۷) این پژوهش، ضمن بررسی هویت، به نقش نظام تعلیم و تربیت در ایجاد هویت ملی می‌پردازد و در خلال آن تأثیر مدرسه و نظام تعلیم و تربیت بر هویت فرهنگی را مورد بحث قرار می‌دهد.

آموزش و پرورش و به طور کلی فرهنگ نقش انکارناپذیری در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد، به طوری که امروزه بسیاری از صاحب‌نظران در دنیا معتقدند هر نوع حرکت اساسی و اصلاحی مهم را باید از آموزش و پرورش شروع نمود (لطف‌آبادی، ۱۳۷۹: ۳۹) بنابراین، با توجه به جمعیت بیش از ۱۴ میلیون دانش‌آموز و بالغ بر یک میلیون آموزگار در مقاطع مختلف تحصیلی و ارتباطی که خانواده‌ها، مستقیم یا غیرمستقیم، با آموزش و پرورش دارند، این مقاله به نقش آموزش و پرورش در زمینه تحقق همبستگی ملی پرداخته و مؤلفه‌های دخیل در این مهم را در دانش‌آموزان متوسطه منطقه ۷ تهران اندازه‌گیری می‌نماید.

در دنیای کنونی، هویت به یکی از مفاهیم و موضوعات محوری در پژوهش‌ها و ادبیات علوم اجتماعی تبدیل شده است و نویسندگان و محققان متعلق به رشته‌های مختلف علمی مجبور به توجه و پرداختن به آن شده‌اند. رشد طیف وسیع فعالیت‌های علمی در این باره - که منشاء جامعه‌شناختی، مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی، فلسفه و مطالعات روابط بین‌الملل

دارند - همگی حاکی از اهمیت‌یابی مقوله هویت است. (Turner & et. al, 2006, 34) علاوه بر این، از منظر حاکمیتی نیز هویت اجتماعی و ابعاد مختلف آن مانند هویت ملی، هویت قومی و غیره مورد توجه جدی قرار گرفته و در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های موجود جایگاه ویژه‌ای یافته است. از جمله در جمهوری اسلامی ایران و در سند چشم‌انداز بیست ساله نیز ارتقاء سطح هویت ملی به عنوان یکی از اهداف استراتژیک در نظر گرفته شده است. (حاجیانی، ۱۳۸۵: ۹۰)

سه رکن مهم و عمده هویت ملی در ایران عبارتند از: ۱) جغرافیا و سرزمین با نوسانات میان فلات ایران با مناطق کوهستانی آن. ۲) زبان فارسی با همه تغییراتی که در اثر آمیزش با زبان‌های ترکی، مغول و عربی داشته است. ۳) دین اسلام که برغم همه اختلافات فرقه‌ای، اصل و اساس آن ثابت و استوار مانده است. (شاه‌محمدی، ۱۳۸۵: ۴۹) علاوه بر این عوامل تسهیل دهنده هویت ملی می‌توانند شامل: ۱- تعلق خاطر به فرهنگ، تمدن و ملیت، ۲- ثبات فرهنگی، ۳- مرزهای جغرافیایی، ۴- دین و باورهای دینی باشند. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۹)

چهارچوب نظری:

نظریات متعددی در این زمینه ارائه شده است که با توجه به قرابت معنایی این پژوهش با نظریات مید و کولی (G.H.Cooley) به ارائه توضیحاتی کوتاه در این زمینه می‌پردازیم. جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی دارای گرایش جامعه‌شناختی، اغلب تحت تأثیر نگرشی است که «ج. ه. مید» از خود دارد. مید خود را از لحاظ رشد و تحول وابسته به زبان می‌انگاشت و معتقد بود: در زمینه تجربه و عمل اجتماعی پدید می‌آید. «کلمه خود، که ضمیری انعکاسی است ممکن است هم به فاعل و هم مفعول اشاره داشته باشد. «خود» کاملاً از ارگانیسیم (اندام‌واره) قابل تمیز است، خود به صورت مفعول اساساً یک ساختار اجتماعی است و در تجربه اجتماعی پدید می‌آید». صفت ممیزه خود بر اساس نظریه مید خودهشیاری است. او «خود» را که مکالمه‌ای درونی با خود انجام می‌دهد جزئی از کل فرایند ارتباط با تفاهم اجتماعی می‌دید. در این ظهور خود و مکالمه درونی‌اش با خویش، خود رفتار را از طریق ارزیابی‌های منعکس شده و انتظارات اغیار دوجانبه (مرا) و پاسخ‌های ارتجالی‌تر خود به این اغیار درونی‌شده (من) هدایت می‌کند. (کوزر، ۱۳۷۳: ۲۵)

چارلز هورتون کولی در سال ۱۹۰۹ کتابی در حوزه ارتباطات تألیف کرد که با عنوان "سازمان اجتماعی" منتشر شد و در آن راجع به حوزه جدید تحقیقات ارتباطی چنین گفت: «ارتباطات ساز و کاری است که از طریق آن، ارتباطات انسانی پدید آمده و توسعه پیدا می‌کند؛ که شامل تمامی نمادهای ذهنی به‌همراه معانی‌شان شده و از طریق فضا

منتقل و در زمان حفظ می‌شود. اگر با چشم‌انداز دقیق‌تری زندگی یک گروه اجتماعی را مورد بررسی قرار دهیم، در می‌یابیم که ارتباطات، حاصل سازمان یافتن عناصری چون ادبیات، هنر و مجموعه نهادهایی است، که واقعیت خارجی داشته و با ساختار فکری قابل مشاهده هستند؛ تا حدی که بر زندگی واقعی انسان تأثیر می‌گذارد. نظام ارتباطی نوعی ابزار است؛ یک اختراع توسعه یافته که پیشرفت‌های آن در مقابل بشر واکنش نشان داده و زندگی هر شخص یا نهادی را تغییر می‌دهد. به‌ویژه زمانی که ما به عصر جدید گام نهادیم. به دیگر سخن، هیچ امری را به‌درستی در نمی‌یابیم مگر آن که روشی که انقلاب ارتباطات برای ما در دنیای جدید ساخته بود را دریابیم.» (کریمی، ۱۳۷۰: ۶۱)

کولی دو نظریه اساسی دارد که اولی در جامعه‌شناسی و دومی در ارتباطات کاربرد دارند: خود آینه‌سان و گروه نخستین.

کولی، در ابتدای نظریه‌پردازی، بسیار تحت تأثیر جان دیویی، جیمز بالدوین، و ویلیام جیمز و همچنین متأثر از دیدگاه ارگانیک به جامعه بود، دیدگاهی که بر کنش متقابل دو سویه بین فرد و جامعه تمرکز دارد. از نظر کولی، هر نوع درک و شناختی از جامعه می‌بایست بر درک و شناخت افراد در آن جامعه مبتنی باشد. (همان منبع)

کولی، در تلاش برای تبیین رابطه خویشتن - جامعه، بر فرایندهای ذهنی افراد تأکید می‌کرد که به خودآگاهی و جامعه آگاهی افراد می‌انجامد. به نظر کولی، «ذهن فرد» و «ذهن جامعه» مانند خود آگاهی و جامعه آگاهی تفکیک‌ناپذیرند و ریشه در فرایند تفسیری تصویرسازی ذهنی دارد. کولی نظریه‌پردازی‌اش را بر این مینا ادامه می‌دهد که خود انگاره در بافت و بستر کنش متقابل با گروه‌ها رشد و بسط می‌یابد. گروه‌های اولیه نخستین وسیله ارتباط و همکاری چهره به چهره و نزدیک افراد با یکدیگر توصیف می‌شوند و در شکل دادن به ماهیت اجتماعی ایده‌ال‌ها و مطلوب‌های افراد نقشی بنیادین دارند.

مید نیز همانند کولی تحت تأثیر اندیشمندان اجتماعی روزگار خودش قرار داشت. مید در معروف‌ترین کتاب خود یعنی «ذهن، خویشتن و جامعه» به توصیف نظریه او درباره رشد خویشتن اجتماعی می‌پردازد. مید این اندیشه اجتماع‌عاش را «روان‌شناسی اجتماعی» نام نهاده بود اما آن را از گرایش روان‌شناسی اجتماعی که از منظر روان‌شناختی مطرح می‌شد متمایز می‌دانست. به باور وی عضویت در ساختاری اجتماعی یا در گروهی اجتماعی در تعیین چگونگی رفتار و تجربه‌های فرد مؤثر است. از این‌رو، خود آگاهی انسان، «ذهن» و «خویشتن» اساساً فرآورده‌های اجتماعی‌ای به حساب می‌آیند که در بستر فرایندهای اجتماعی موجود ایجاد می‌شوند. این نقطه‌نظر دقیقاً مخالف نظر روان‌شناسان رفتارگرای آن روزگار بود. آنها اهمیت خود آگاهی انسان در مطالعه رفتار را انکار می‌کردند. (جنکینز،

شکی نیست که تعبیر و تفسیر مید درباره «خود» یکسره جنبه اجتماعی و شناختی دارد. از سوی دیگر منظور کولی و مید از این گفته‌ها این نیست که خود، دارای بُعد عاطفی نیست و یا اینکه خود فقط بازتابی از مناسبات اجتماعی موجود است، نظر مید مبنی بر اینکه عواطف مانند عقاید و تصورات اساساً منشأ اجتماعی دارند بدان معنی نیست که عقاید مطلقاً قراردادی یا غیرارتجالی هستند. مهم‌تر اینکه از نظر مید، ماهیت اجتماعی «خود» و خودهشیاری آن به این معنی نیست که خود صرفاً مفعول است نه فاعل با اینکه خود کاملاً انعکاسی از جامعه است و نه تا حدی یک عنصر خودبه‌خودی اجتماع. «من» یک عامل ارتجالی - تجلی‌بخش - است نه یک مفعول منعکس‌شده. (Dollinger, 1995: 17)

شاید به دلیل مسائلی که در چارچوب داوری رفتارگرایانه مید وجود دارد، روان‌شناسان اجتماعی دارای گرایش جامعه‌شناسی تأکید بیشتری بر بازتاب اجتماعی و شناختی می‌کنند. هویت خود بیشتر با فرایند مکالمه درونی شناخته می‌شود تا عامل فغالی که مکالمه در آن رخ می‌دهد و «من» به‌طور فزاینده‌ای تابع «مرا» می‌شود. (Marcia, 2000:156)

همانطور که ذکر شد در این پژوهش هدف بررسی میزان هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و عوامل مؤثر بر آن است. در ضمن می‌خواهیم بدانیم که جایگاه هر یک از این مؤلفه‌ها در مجموعه هویت ملی ایرانیان چیست. برای این منظور ابتدا با توجه به نظر نویسندگان موجود به تعریف هویت، هویت ملی و هویت ایرانی می‌پردازیم و تلاش می‌نمائیم با استعانت از اندیشه اندیشمندان معاصر مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان را به دست آوریم. سپس با نگاهی گذرا به تاریخ ملت ایران به مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان در طول تاریخ پرفراز و نشیب آن اشاره می‌نمائیم و در انتها جایگاه هر یک از این مؤلفه‌ها را در ارتباط با دیگر مؤلفه‌ها مشخص می‌نمائیم.

اهداف تحقیق:

هدف آرمانی: رسیدن به سطح مطلوب هویت ملی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه ایرانی
 هدف کلی: تعیین میزان هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ تهران
 اهداف کاربردی: ارائه الگویی جهت ارزیابی میزان هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ تهران

شناسایی مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ تهران
 چگونگی تأثیر مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی در میزان هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ تهران

پرسش‌های تحقیق:

هویت ملی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ تهران بر اساس مؤلفه‌های مرتبط چه میزان است؟
مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ تهران کدامند؟
تأثیر مؤلفه‌های مرتبط با هویت ملی در میزان هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ تهران چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق:

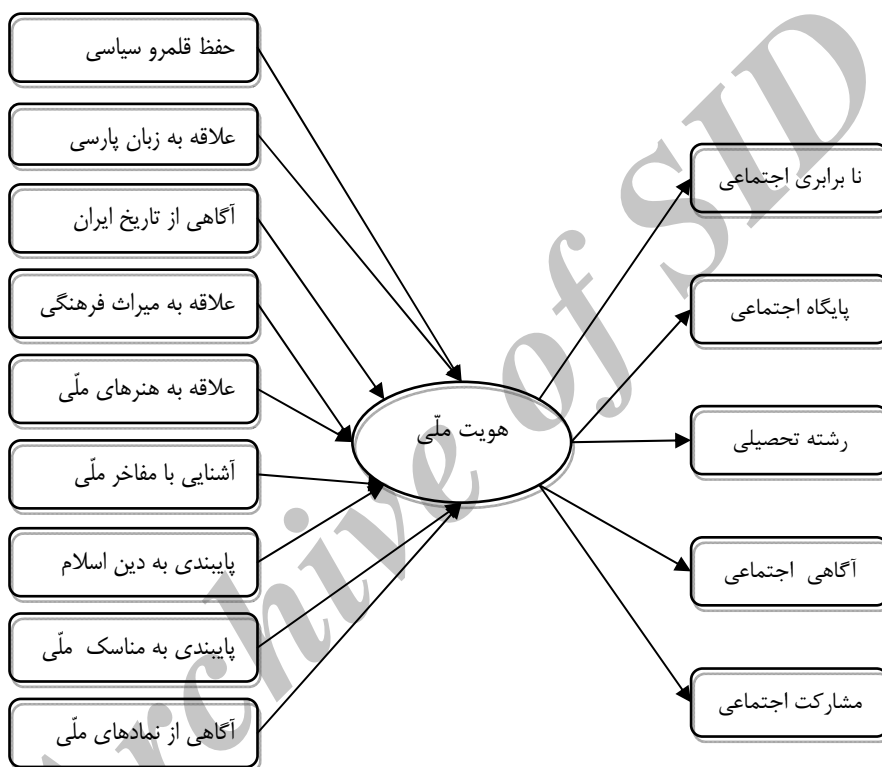
۱. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و حفظ قلمرو سیاسی مملکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و علاقه به زبان پارسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و آگاهی از تاریخ ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و علاقه به میراث فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و علاقه به هنرهای ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و آشنایی با مفاخر ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۷. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و پایبندی به دین اسلام و مذهب تشیع رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۸. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و پایبندی به مناسک ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۹. بین هویت ملی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و آگاهی از نمادهای ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایشی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۷ شهر تهران، با استفاده از پرسش‌نامه، انجام خواهد شد. تحقیق حاضر از نوع همبستگی نیز می‌باشد. در این نوع تحقیق رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد. به

عبارت دیگر هدف روش تحقیق همبستگی مطالعه حدود تغییرات یک یا چند متغیر با حدود تغییرات یک یا چند متغیر دیگر است. در این تحقیق نیز رابطه بین مؤلفه‌های هویت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (بازرگان و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۸۴)

مدل مفهومی تحقیق حاضر و ارتباط بین متغیرها به صورت زیر می‌باشد:



جامعه آماری:

جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دوره دبیرستان منطقه ۷ آموزش و پرورش تهران مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ می‌باشند. و نمونه آماری از میان این دانش‌آموزان بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است که طبق فرمول زیر و آمار کل دانش‌آموزان دبیرستانی منطقه ۷ که طبق آمار ارائه شده از سوی منطقه ۲۶۰۰ نفر می‌باشد، حجم نمونه برابر با ۳۴۰ نفر شده است که با احتساب ۱۰ درصد امکان عدم

برگشت پرسشنامه و یا ناقص بودن آن تعداد ۳۷۵ پرسشنامه در بین دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری تصادفی پخش شد.

$$n = \frac{Nt^2S^2}{Nd^2 + t^2S^2} = \frac{2600 \times (1.96)^2 \times (0.5)^2}{[2600 \times (0.05)^2] + [(1.96)^2 \times (0.5)^2]} = 340$$

پس از تعیین محیط پژوهش، با توجه به پراکندگی جامعه آماری مورد نظر در مدارس منطقه ۷ آموزش و پرورش، از جامعه آماری مذکور تعداد ۳۴۰ نفر با توجه به ضوابط نمونه‌گیری (سطح اطمینان آماری ۹۵٪، میزان خطای نمونه‌گیری ۰/۱ و بالاترین میزان واریانس) و با استفاده از فرمول کوکران، به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. لازم به ذکر است که به منظور جلوگیری از ارباب بودن (شانس اضافه دادن به گروهی برای انتخاب شدن) و نیز برای اینکه هر فرد از جامعه آماری مورد نظر، شانس برابر در انتخاب داشته باشد از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. (دلاور، ۱۳۸۸: ۲۷۹)

یافته‌ها

از ۳۴۰ دانش‌آموز، ۵۸ (۱۷/۱٪) نفر در پایه اول، ۷۸ (۲۲/۹٪) نفر در رشته تجربی، ۱۳۴ (۳۹/۴٪) نفر در رشته ریاضی و ۷۰ (۲۰/۶٪) نفر در رشته انسانی تحصیل می‌کردند. از ۳۴۰ دانش‌آموز، ۵۸ (۱۷/۱٪) نفر در پایه اول، ۱۷۰ (۵۰٪) نفر در پایه دوم و ۱۱۲ (۳۲/۹٪) نفر در پایه سوم تحصیل می‌کردند.

مدرک تحصیلی پدران ۱۰ (۲/۹٪) دانش‌آموز زیر دیپلم، ۱۴۳ (۴۲/۱٪) دانش‌آموز دیپلم، ۵۲ (۱۵/۳٪) دانش‌آموز فوق دیپلم، ۷۸ (۲۲/۹٪) دانش‌آموز لیسانس و ۵۷ (۱۶/۸٪) دانش‌آموز فوق لیسانس و بالاتر بود.

مدرک تحصیلی مادران ۱۰ (۲/۹٪) دانش‌آموز زیر دیپلم، ۱۹۱ (۵۶/۲٪) دانش‌آموز دیپلم، ۶۱ (۱۷/۹٪) دانش‌آموز فوق دیپلم، ۶۴ (۱۸/۸٪) دانش‌آموز لیسانس و ۱۴ (۴/۱٪) دانش‌آموز فوق لیسانس و بالاتر بود.

نتایج نشان‌دهنده آن است که تفاوت معنی‌داری بین میانگین هویت ملی سطوح مختلف رشته تحصیلی وجود دارد؛ یعنی، رشته تحصیلی اثر معنی‌داری بر هویت ملی دارد. نتایج آزمون توکی نشان‌دهنده آن است که میانگین هویت ملی سال اول با رشته‌های تجربی، ریاضی و انسانی تفاوت معنی‌داری دارد.

نتایج نشان‌دهنده آن است که تفاوت معنی‌داری بین میانگین هویت ملی دانش‌آموزان بر حسب تحصیلات پدر وجود ندارد؛ یعنی، تحصیلات پدر اثر معنی‌داری بر هویت ملی دانش‌آموزان ندارد.

نتایج نشان‌دهنده آن است که تفاوت معنی‌داری بین میانگین هویت ملی دانش‌آموزان بر حسب تحصیلات مادر وجود دارد؛ یعنی، تحصیلات مادر اثر معنی‌داری بر هویت ملی دانش‌آموزان دارد. نتایج آزمون توکی نشان‌دهنده آن است که تفاوت معنی‌داری بین میانگین هویت ملی دانش‌آموزانی که مادر با تحصیلات لیسانس داشته‌اند و دانش‌آموزانی که مادر با تحصیلات زیر دیپلم داشته‌اند وجود دارد.

یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که رابطه خطی معنی‌داری بین هویت ملی و علاقه به زبان فارسی وجود دارد.

همچنین همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و آگاهی از تاریخ ایران وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و حفظ قلمرو سیاسی وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و علاقه به میراث فرهنگی وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و علاقه به هنرهای ملی وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و آشنایی با مفاخر ملی وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و پایبندی به دین اسلام وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و آگاهی از نمادهای ملی وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و پایبندی به مناسک ملی وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و تعاملات اجتماعی وجود دارد.

همبستگی خطی مثبت معنی‌داری بین هویت ملی و مشارکت اجتماعی وجود دارد.

متغیرهای علاقه به زبان فارسی، آگاهی از تاریخ ایران، علاقه به هنرهای ملی، آشنایی با مفاخر ملی، پایبندی به دین اسلام، آگاهی از نمادهای ملی، پایبندی به مناسک ملی و مشارکت اجتماعی کوچکتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده این است که این متغیرها به صورت معنی‌دار بر هویت ملی دانش‌آموزان تأثیرگذارند. متغیرهای تعاملات اجتماعی، علاقه به میراث فرهنگی و حفظ قلمرو سیاسی اثر معنی‌داری بر هویت ملی دانش‌آموزان ندارد.

($p > 0/05$). ضریب تعیین برابر با $0/53/6$ است؛ یعنی $53/6$ درصد از تغییرپذیری هویت ملی دانش‌آموزان توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

پیشنهادات:

از آنجا که نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی چون رشته تحصیلی، سن و تحصیلات مادر، علاقه به زبان فارسی، آگاهی از تاریخ ایران، علاقه به هنرهای ملی، آشنایی با مفاخر ملی، پایبندی به دین اسلام، آگاهی از نمادهای ملی، پایبندی به مناسک ملی و مشارکت اجتماعی با هویت ملی در دانش‌آموزان رابطه معنادار داشته است بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱. با تحلیل محتوای دروس رشته‌های مختلف به علل این تفاوت معنادار در سطح هویت ملی دانش‌آموزان پی برده شود و تمهیدات لازم جهت گنجاندن سرفصل‌های مربوطه در کتب تحصیلی دانش‌آموزان انجام شود.
۲. کارشناسان امر به علل تفاوت معنادار سطح هویت ملی در سنین مختلف بپردازند.
۳. با توجه به اهمیت موضوع هویت ملی و رابطه معنادار بین هویت ملی و تحصیلات مادران پیشنهاد می‌شود علل این مهم کارشناسی و در جهت افزایش هویت ملی دانش‌آموزان دارای مادران کم سواد مطالعات لازم انجام گیرد.
۴. از طریق آموزه‌های مختص خانواده‌ها می‌توان جنبه‌هایی را که به اعتقادات، باور و حیات فرد مربوط می‌شود، تقویت کرد. به دلیل اینکه بسیاری از بحران‌های هویتی ریشه در خانواده دارند، خانواده در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کند. (Baumeister, 2005: 36)
۵. در کنار خانواده، آموزش رسمی دانشگاه و مدرسه و حوزه‌های علمی در انتقال آموزه‌های متفاوت، از جایگاه با اهمیتی برخوردار هستند.
۶. از طرفی رسانه‌ها و آموزش موازی آن‌ها در کنار سایر آموزش‌ها نقش بسیار مهمی در انتقال به موقع اطلاعات و آگاهی و تقویت ارزش‌ها و میراث فرهنگی جامعه دارند و می‌توانند جنبه‌های دانشی و نگرشی این اطلاعات را در افراد تقویت کنند و منجر به تغییرات رفتاری شوند، (شرام، ۱۳۸۱: ۱۹۴) به عنوان مثال با پخش یک سریال خوب می‌توان جنبه‌های اعتقادی افراد، باور او به آخرت و شکل‌دهی به جنبه‌های عدالت خواهانه را تقویت کرد.
۷. گروه‌های هم‌سالان و گروه‌های دوستی می‌توانند از طریق انجمن‌ها و NGOها، آموزه‌های مثبت را در جهت حفظ هویت افراد به آن‌ها ارائه دهند.

منابع

الف) فارسی

۱. جنکینز، ریچارد، (۱۳۷۸): هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه.
۲. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۵): تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره پنجم.
۳. دلاور، علی. (۱۳۸۸): روش‌های آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور،
۴. رزمی، محمدرضا، (۱۳۸۳): بررسی تاثیر انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت جوانان و نوجوانان شهر شیراز، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۷.
۵. سرمد، ز.، بازرگان، ع.، و حجازی، ا. (۱۳۷۶): روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگه.
۶. شاه‌محمدی، عبدالرضا، (۱۳۸۵): فرهنگ علوم ارتباطات، تهران، زرباف.
۷. شرام، ویلبر، (۱۳۸۱): پیشتازان علم ارتباطات، ترجمه‌ی غلامرضا و زهرا آذری، تهران، رسا.
۸. کریمی، یوسف، (۱۳۷۰): روان‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. کوزر، لوئیس، (۱۳۷۳): زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، چاپ پنجم، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، علمی.
۱۰. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳): جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۱۱. لطف آبادی، حسین، (۱۳۷۹): روانشناسی کاربردی نوجوانی و جوانی، تهران، انتشارات سازمان ملی جوانان.

ب) انگلیسی

1. Baumeister, Roy f. (ed) (2008). The self in social psychology. pa: psychology pres.
2. Dollinger, S.M. (1995). Identity style and the five factor model of personality. Journal of research in personality.29,475-479.
3. Marcia, j,E.,(2000).Development and validation of ego identity status. journal of personality and social psychology,3,551-558.
4. Turner, john C. &onorato, rins S. (2006) social identity, personality, and self – categorization perspective. In Tom r. Tylor, Roderick m. Kramer, & Oliverp. john (eds). the psychology of the social self. London: Lawrence Erlbaum associates, publishers.